

تمایلات چپ روانه: سوزاندن مراحل تکامل انقلاب

سومین نکته مهم در مورد خط مشی سیاسی حزب ما توجه به این حکم لنینی است که از سوئی هدفها و وظایف تاکتیکی به منزله تابعی از هدفها و وظایف استراتژیک در نظر گرفته میشوند و لذا پیگیری و قاطعیت در تعقیب وظیفه اصلی انقلابی شرط ضروری صحت عمل تاکتیکی بشمار میرود و از سوی دیگر حزب طبقه کارگر از تمایلات چپ روانه دائر به "سوزاندن مراحل"، یعنی پیش کشیدن وظایف انقلابی که هنوز در دستور روز قرار نگرفته است، برحذر قرار میگیرد.

چهارمین تذکر در مورد خط مشی حزب اجتناب از یکسان گرفتن استراتژی و تاکتیک حزب با مفاهیم و اصطلاحات هم نامی است که در فنون نظامی وجود دارد. در واقع وجود مشابهت لفظی بین اجزاء خط مشی سیاسی حزب و استراتژی و تاکتیک نظامی بهیچوجه به معنای یگانگی مفاهیم بین اصطلاحات سیاسی و نظامی نیست. خط مشی استراتژیک حزب طبقه کارگر از آن جهت با استراتژی نظامی شباهت دارد که در هر دوی آنها آرایش، تنظیم و هم بست نیروها به منظور غلبه نهائی بر دشمن انجام می گیرد و میان تاکتیک سیاسی و نظامی نیز چنین مشابهتی وجود دارد که هر دو نیل به پیروزی در پیکارهای جزئی مشخص را که بخودی خود تعیین کنند سرنوشت رزم نیستند ولی برای پیشرفت در آن جهت حائز اهمیت اند، هدف قرار می دهند.

ولی این مشابهت بهمین جا خاتمه می یابد، زیرا در سیاست سروکار با ارتش آماده، مجهز و گوش به فرمان، آنچنانکه در مورد عملیات نظامی وجود دارد نیست، بلکه با طبقات و نیروهای اجتماعی سرو کار است که بخشی از آنان سازمان یافته اند و آگاهانه عمل می کنند. در حالیکه بخش های وسیعی از آن متشکل نیستند و تحت تاثیر منافع خود یا برحسب تلقی خویش از منافع طبقاتی گاه به صورت خود بخودی وارد میدان میشوند و گاه بی واکنش و بی تفاوت تماشاگر معرکه اند. در حالیکه فرمانده نظامی می تواند آزادانه نیروهای تحت فرمان خود را به هر میدانی که صلاح باشد بفرستد و یا بنا به اقتضای عملیات نظامی از نیروهای ذخیره خویش در هر نقطه ای که ضرورت رزم اقتضا کند استفاده نماید، حزب طبقه کارگر چنین امکاناتی را در اختیار ندارد.

توجه به این تفاوت های اساسی بین مفاهیم نظامی و سیاسی در مورد استراتژی و تاکتیک به ویژه از آن جهت ضرور است که عدم درک آنها و اختلاط مفاهیم نظامی و سیاسی میتواند منشاء اشتباهات و انحرافات سکتاریستی مهمی در جنبش انقلابی گردد، توده ها را از پیرامون حزب طبقه کارگر براند و ناکامی های بسیاری برای حزب و مجموع نهضت ببار آورد.

بنابه مراتب فوق احکام اساسی خط مشی سیاسی حزب توده ایران را میتوان طبق طرح برنامه نوین به شرح زیرین خلاصه نمود:

۱- هدف غائی حزب توده ایران استقرار سوسیالیسم و انجام تمام مراحل عالیه آن در ایران است.

۲- از آنجا که هنوز مسئله رهائی مردم ایران از قید سرمایه غارتگر امپریالیستی و ریشه کن ساختن بقایای نظامات ما قبل سرمایه داری حل نشده است و تضاد عمده جامعه کنونی کشور

عبارت از تضاد اکثریت مطلق مردم ایران با امپریالیسم و سیاست نواستعماریش و تضاد مردم ایران با ارتجاع و قشرهای وابسته به امپریالیسم و بقایای نظامات کهن پیش از سرمایه داری است، مسئله تامین استقلال واقعی و دمکراتیک کردن حیات اقتصادی و سیاسی کشور کماکان در دستور روز است. بنابراین کشور ما هنوز در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک قرار دارد و بهمین سبب هدف استراتژی این مرحله انقلاب انتقال قدرت حاکمه از دست طبقات و قشرهای ارتجاعی (سرمایه داران و زمینداران بزرگ وابسته به امپریالیسم) به دست طبقات و قشرهای ملی و دمکراتیک، یعنی کارگران، دهقانان، زحمتکشان شهری، خرده بورژوازی و قشرهای ملی و مترقی بورژوازی، و استقرار حکومت ملی و دمکراتیک است.

۳- محتوی انقلاب ملی و دمکراتیک عبارتست از کوتاه ساختن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور، تامین استقلال کامل اقتصادی و سیاسی ایران، بر چیدن بقایای نظامات ماقبل سرمایه داری، دمکراتیک کردن حیات سیاسی و اقتصادی کشور.

۴- انجام صحیح و کامل وظایف انقلاب ملی و دمکراتیک با سمت گیری سوسیالیستی، پایه های عینی گذار به سوی جامعه سوسیالیستی را آماده میکند.

۵- انقلاب ملی و دمکراتیک تنها بوسیله مبارزه توده های مردم تحقق پذیر است و از قهرمانی این یا آن فرد معین، این و یا آن گروه و حزب سیاسی مشخص ناشی نمی شود. انقلاب در درجه اول محصول پیدا شدن وضع عینی انقلابی در جامعه است و عامل ذهنی به تنهایی قادر نیست آنرا ایجاد کند. بدون آمادگی لازم عامل ذهنی برای استفاده از وضع عینی انقلابی بنوبه خود پیروزی خلق بر دشمنان خلق به دست نمی آید. تا تشکل و عمل درست و پیگیر طبقه یا طبقات انقلابی برای سازمان دادن و رهبری صحیح جنبش به عوامل عینی انقلابی ضمیمه نشود، وجود عامل عینی به تنهایی برای تحقق پیروزمندانه انقلاب کافی نیست.

۶- انقلاب در هر حال اعمال اراده و قدرت توده ها بر طبقات و قشرهای ضد انقلابی است و می تواند بر حسب شرایط تاریخی، از دو راه، یعنی راه مسالمت آمیز و یا راه غیر مسالمت آمیز انجام گیرد. **چگونگی راه انقلاب** زائیده اراده و تمایل پیشاهنگان نیست، بلکه به شرایط مشخص و از آن جمله به **روش طبقات حاکمه** در مقابل جنبش انقلابی مردم بستگی دارد. لذا نمیتوان این راه را قبل از نضج یافتن وضع انقلابی، تنها بر اساس تمایلات ذهنی، معین ساخت. بهمین جهت حزب توده ایران هیچیک از دو راه را از پیش مطلق نمی سازد.

۷- در شرایط کنونی جنبش انقلابی مردم ایران، مبارزات وسیع توده ای، سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک برای افشاء نیروهای ضد انقلابی، بسیج مردم و هموار ساختن راه تحقق انقلاب اجتماعی تنها اشکال صحیح مبارزه حزب طبقه کارگر است.

۸- وسیله اساسی تامین پیروزی قطعی انقلاب ملی و دمکراتیک ایجاد جبهه واحد کلیه نیروهای ملی و دمکراتیک است. طبقه کارگر و حزب آن رکن اساسی جبهه واحد است. اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی چنین جبهه ایست. حزب توده ایران با تمام قوا برای اتحاد و اتحاد عمل با کلیه نیروهای ملی و دمکراتیک خواهد کوشید و با توجه به بغرنجی ها و مشکلات این امر، نرمش، پیگیری و ابتکار و حرکت گام به گام به سوی هدف مهم را که وثیقه پیروزی خلق است، اسلوب عمل خود قرار میدهد.

۹- تنها سرکردگی طبقه کارگر است که پیگیری انقلاب ملی و دمکراتیک و تعمیق خصلت خلقی و شرایط اعتلاء آنرا به سوی سوسیالیسم تامین خواهد کرد. لذا حزب توده ایران وظیفه خود میداند که با تمام قوا در راه تامین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران مبارزه کند. طبقه رشد یابنده کارگر کشور ما میتواند در صورت اتحاد و تشکل و اتخاذ سیاسی صحیح و اصولی مبتنی بر واقعیات، دور از ماجراجویی، رویونیسم، سکتاریسم و

اپورتونیسیم، رسالت تاریخی خود را در امر سرکردگی انقلاب ملی و دمکراتیک با موفقیت ایفا نماید.

حزب توده ایران در عین اینکه برای تامین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک مبارزه میکند آنرا شرط اتحاد و اتحاد عمل خود با دیگر نیروهای ملی و دمکراتیک قرار نمیدهد و نیز از هر دولتی که از یک تحول مترقی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ناشی شده باشد بنوبه خود پشتیبانی خواهد کرد و در راه سوق آن بسوی سمت گیری سوسیالیستی خواهد کوشید.

راه توده ۱۵۷ ۱۹,۱۱,۲۰۰۷